



معرفت‌النفس از مبانی مهم عرفان قرآنی است

معرفت‌النفس شهودی و آگاهی انسان به فقر وجودی خود، از جمله مبانی مهم سلوک در عرفان قرآنی است؛ در حالی که در عرفان‌های دروغین جهل به نفس، فطرت و حقیقت وجود آدمی مطرح است که به نتایجی چون خودباختگی، خودفریبی، خودشیفتگی و ذلت نفس می‌انجامد.

معرفت‌النفس از مبانی مهم عرفان قرآنی است/ جهل به نفس در عرفان‌واره‌ها
معرفت‌النفس شهودی و آگاهی انسان به فقر وجودی خود، از جمله مبانی مهم سلوک در عرفان قرآنی است؛ در حالی که در عرفان‌های دروغین جهل به نفس، فطرت و حقیقت وجود آدمی مطرح است که به نتایجی چون خودباختگی، خودفریبی، خودشیفتگی و ذلت نفس می‌انجامد.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدجواد رودگر، رئیس پژوهشکده دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به معرفی شاخصه‌ها و مبانی سیر و سلوک قرآنی و در نقطه مقابل آن، عرفان‌واره‌ها و معنویت‌های کاذب پرداخت و اظهار کرد: عرفان اصالتاً از جنس شهود و رؤیت حقایق عالم وجود به وسیله چشم دل است و این جنسیت، ماهیت و هویت اصیل عرفان جز از رهگذر تزکیه نفس و طهارت روح و نزاهت جان انسان محقق نخواهد شد.

وی افزود: این تزکیه و نزاهت، اگر بر اساس شریعت حقه الهیه صورت بگیرد، سالک را در صراط مستقیم سیر و سلوک قرار داده و او را با شهود ناب و کشف زلال و خالص یا مجموعه کشف و شهودهای رحمانی و القائنات آسمانی و ملکی مواجه می‌کند و رهزنان راه و موانع شناخت مسیر را از پیش روی او برمی‌دارد و او را از الهامات شیطانی و القائنات نفسانی و ملکی نجات می‌دهد.

شریعت‌محوری؛ لب‌الباب عرفان قرآنی

نویسنده کتاب‌های «عرفان قرآن» و «زهره آسمان» شریعت‌محوری را لب‌الباب سیر و سلوک تا شهود، در عرفان اسلامی شیعی دانست و تصریح کرد: عرفان اصیل، رساله‌ای و توضیح‌المسائلی است و لب آن انجام واجب، ترک حرام و کسب روزی حلال است. حال آن‌که معنویت‌های نوپدید، عمدتاً شریعت‌گریز بوده و افراد را به اباحی‌گری، لاقیدی، لیبرالیسم و گریز از بایدها و نبایدهای الهی سوق می‌دهد.

در حالی که عقل‌گریزی و خردستیزی از ویژگی‌های سلوک کاذب است، در عرفان قرآنی مبنای عقل‌گرایانه و خردباورانه و نه عقل‌گریزانه و خردستیزانه وجود دارد؛ در این عرفان عقل و دل و عشق باهم قابل اجتماع بوده و مانعة الجمع نیستند

معرفت‌النفس شهودی؛ از مبانی عرفان سلوک قرآنی

وی ادامه داد: چنان‌که گفته شد شهود که جنس اصلی عرفان است با سلوک ممکن است و سلوک هم باید بر اساس یک سلسله مبانی و ویژگی‌ها و شاخص‌هایی صورت بگیرد که یکی از آن مبانی در عرفان قرآنی معرفت‌النفس، آن هم نه معرفت‌النفس حصولی، مفهومی و فلسفی، بلکه معرفت‌النفس شهودی است که در آن انسان به فقر وجودی خود معرفت و آگاهی پیدا می‌کند.

شارح «رساله الولاية» علامه طباطبایی بیان کرد: در معرفت‌النفس وجودی است که انسان درمی‌یابد که یک وجود آویخته و دارای نسبت تام و فقر محض به وجود مطلق و غنی بالذات است و شهود این فقر وجودی و احتیاج نفسی در درون خود، عاملی می‌شود که انسان به عنوان محتاج به سمت آن غنی مطلق در حرکت باشد و سلوک او محقق شود. بنابراین، عرفان به نفس از کارآمدی خاصی در عرفان قرآنی برخوردار است.

جهل به نفس و فطرت در عرفان‌واره‌ها

رئیس پژوهشکده دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، با اشاره به این‌که در معنویت‌ها و عرفان‌های کاذب و دروغین دقیقاً نقطه مقابل این مطلب مطرح است، گفت: در این‌گونه عرفان‌ها، جهل به نفس و جهل به فطرت و حقیقت وجود آدمی مطرح است که به نتایجی چون خودباختگی، خودفریبی، خودشیفتگی، ذلت نفس و... می‌انجامد.

عقل‌مداری عرفان قرآنی/ خردستیزی در عرفان‌واره‌ها

وی با تأکید بر عقل‌گرا بودن عرفان قرآنی و شیعی، عقل‌گریزی و خردستیزی را از ویژگی‌های سلوك کاذب برشمرد و گفت: در عرفان قرآنی مبنای عقل‌گرایانه و خردباورانه و نه عقل‌گریزانه و خردستیزانه وجود دارد؛ در این عرفان عقل و دل و عقل و عشق با هم قابل اجتماع بوده و مانعة‌الجمع نیستند و این نکته بسیار مهم و کارسازی است که ما عرفان را تهی از عقل و عقلانیت ندانیم.

حجت‌الاسلام رودگر در بیان جایگاه عقل و عقل‌مداری در عرفان شیعی عنوان کرد: عقل وحیانی و رحمانی و عقل شکوفا شده در پرتو آموزه‌های قرآنی و اهل بیت است که می‌تواند فرد را در جاذبه کمال مطلق قرار دهد؛ زیرا انسان با همین عقل الهی آغاز و انجام خود را درک می‌کند؛ آغازی که با «و تَقَحَّتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي« (حجر/29؛ ص/72) و انجامی که با «كَذْحًا فَمُلَاقِيهِ« (انشقاق/6) در ارتباط مستقیم است.

همراهی و همگامی عقل و عشق در عرفان قرآنی

نویسنده کتاب‌های «عرفان قرآن« و «زهره آسمان« افزود: بنابراین این عقل است که می‌گوید از کجا آغاز کنیم و به کجا برسیم و انسان در پرتو همین عقل می‌تواند این فاصله و مسیر را با مجاهدت و سیر و سلوك و تلاش‌های بی‌وقفه و مستمر تا رهایی از عالم ماده و طبیعت و رسیدن به عالم ماوراء و جهان غیب طی کند. از سوی دیگر اگر عقل همراه عشق، و خرد همراه عرفان و سیر و سلوك باشد، کمیت انسان در هیچ جایی نخواهد لنگید و گرفتار توهمات و تخیلات و فریب و اغوای رهنان مختلف نخواهد شد.

وی تصریح کرد: انسان سالک عاقل و عاقل سالک نه راه را به روی دیگران می‌بندد و نه می‌گذارد که دیگران راه را به روی او ببندند؛ او نه به چاه می‌افتد و نه برای دیگران چاه می‌کند. این نکته بسیار مهمی است و در قرآن نیز تعبیری مانند «اولی الالباب«، «اولی الابصار«، «اولی العلم«، «اوتوا العلم«، «اولی الایدی و الابصار« و مطالبی درباره تفقه و تفکر و تعقل و شعور و... مباحث دیگر با بار معنایی عقلانی فراوانی به کار رفته و همه اینها در فرهنگ قرآنی، معنای معنوی و روحانی و عرفانی نیز دارند.